

انقد و بررسی کتاب |

اعلی بهرامیان

آینه پژوهش ۱۹۲۴
سال سی و دوم، شماره ششم،
بهار و آبان ۱۴۰۰

نکته‌هایی درباره فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی (قرون ۸-۷ ق)

در کتابخانه‌های ایران

۲۶۹-۲۷۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. انتشار مقاله‌ای در نقد و بررسی یا ذکر «نقایص و اشتباهات» فهرستواره‌ای که در ۱۳۹۶ ش، به کوشش نگارنده این سطور در سلسله انتشارات مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه انتشار یافت (قاسم قریب، «نقدی بر نقایص و اشتباهات کتاب فهرست نسخه‌های محمد ایلخانی با تکیه بر نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی»، آینه پژوهش، س ۳۲، شماره (آذر-دی ماه ۱۴۰۰)، ص ۱۸۵-۱۹۳)، مجالی پدید آورد تا درباره کتاب مذکور توضیحاتی داده شود.

وقتی ۵ سال پیش، پیشنهاد تهیه و تدارک فهرستواره‌ای از نسخه‌های خطی کتابت شده در عهد ایلخانی موجود در کتابخانه‌های ایران را پذیرفتم، کمابیش با دشواری‌های آن آشنایی داشتم: نخست اینکه کار فهرست نویسی از نسخه‌های خطی در برخی کتابخانه‌ها هنوز تکمیل نشده و بسیار محتمل است که در میان نسخه‌های فهرست نشده، همچنان نسخه‌هایی باشد که در دوره موضوع این فهرستواره کتابت شده است و بنابراین، تکمیل این فهرستواره در آینده نیز می‌باید ادامه یابد، حتی بیرون از چارچوب پیشین و بسا با «کارفرما» و ناشری دیگر. دیگر آنکه، به طور کلی و به ویژه به سبب کمبود فرصت و سایر امکانات می‌باید به اطلاعات مندرج در فهرس بسنده کرد، مگر آنکه هنگام گردآوری اطلاعات امکانی برای تصحیح و تکمیل مطالب پیرامون اصل کتاب، یا مؤلف یا سال تألیف و خود نسخه به دست آید، زیرا پس از انتشار فهرستی از نسخه‌های خطی یک کتابخانه، بسا که پژوهش‌های مستقلی در باب نسخه‌های خاصی صورت می‌گیرد یا نسخه‌ای به همت پژوهشگری تصحیح و به مرحله چاپ و انتشار می‌رسد و به این ترتیب، راهی در برابر گردآورنده فهرستواره گشوده می‌شود تا کار گردآوری را گامی جلوتر برد؛ به ویژه در روزگار ما، با وجود اینترنت و پایگاه‌های اینترنتی متعدد از کتابخانه‌ها و مؤسسات پژوهشی، دسترسی به اطلاعات و جست‌وجو در منابع بسیار آسان‌تر است و با قدری صرف وقت و حوصله، می‌توان به نتایج قابل توجه رسید.

با توجه به این مسائل، چنانکه در مقدمه نوشتم، کوشیدم این فهرستواره، «تا آنجا که فرصت» هست، «از جنبه‌های تحقیقی تهی نباشد» و به همین سبب است که «میان اطلاعات این فهرستواره و فهرست کتابخانه‌ها و فهرستگان تفاوت‌هایی دیده می‌شود»، زیرا کوشش کردم «با توجه به همان اطلاعات اندک مندرج در فهرست‌ها مانند آغاز و انجام و در مواردی مراجعه به تصاویر نسخه‌ها در پایگاه‌های اینترنتی کتابخانه‌ها و حتی ملاحظه نمونه تصاویری از اوراق نسخه‌ها در آلبوم‌های پایانی، اطلاعات بیشتری به دست آورم. گرچه به هر حال، در موارد بسیاری»، اطلاعات فهرست‌ها «همچنان که بود نقل شد، مانند نوع خط که در مواردی نستعلیق ثبت شده است و نمی‌تواند برای نسخه کتابت شده در قرن ۶-۷ ق درست باشد». در واقع یا خط نسخه اصلاً نستعلیق نیست و تشخیص درست نبوده است یا اگر واقعاً نستعلیق است، کتابت آن را نمی‌توان به قرن ۶-۷ ق نسبت داد و حتی اگر تاریخ کتابت دارد، کاملاً محتمل است که کاتبی در قرون بعد، ختم کاتب قبلی را نقل کرده باشد و این نکات بر آشنایان کار فهرست نویسی روشن و واضح است. با این همه، تا آنجا که من احصاء کردم،

نوع خط نزدیک ۵۰ نسخه در محدوده زمانی مربوط به این کتاب، در فهرست کتابخانه‌های مختلف، نستعلیق و حتی شکسته نستعلیق ثبت شده است.

گذشته از آنچه ذکر شد، به خوبی می‌دانستم با وجود دقت و مراجعات مکرر، این فهرستواره، کامل نخواهد بود و به همین سبب در پایان مقدمه نوشتم: «ناگفته پیداست که این فهرستواره به تصحیح و تکمیل نیاز دارد و نگارنده این وظیفه را به شرط حیات و توفیق از دست نخواهد داد. به همین سبب از اهل فضل به تأکید درخواست می‌کند نگارنده را از نظرات اصلاحی و تکمیلی خود بی‌نصیب نگذارند».

۲. آنچه کمابیش در سرتاسر مقاله ناقد محترم جلب توجه می‌کند، اشتیاق چشمگیری است که برای «عیب‌جویی» نشان داده‌اند، چندان‌که در نقد خود، به هیچ روی جایی برای «اغلاط چاپی» در نظر نگرفته‌اند. البته «اغلاط چاپی» از هر نوع و در هر کتابی و در این کتاب، در ثبت شماره نسخه و جلد و صفحه فهرست کتابخانه‌ها، ناپسندیده است و مسئولیت وقوع آن، با وجود تصحیح مکرر، جز بر عهده گردآورنده فهرستواره نیست، اما گمان می‌کنم در نظر عقلاء «اغلاط چاپی» گرچه به هر حال «نقص» است، با «نقایص و اشتباهات» به نحوی که ناقد محترم پیوسته بر آن تأکید کرده‌اند، متفاوت است.

در یک مورد، غلط چاپی محل مقصود بوده و ناقد محترم را به زحمت افکنده است و آن به تاریخی مربوط می‌شود که برای ختم دوره ایلخانی در ایران در این فهرست آمده است، یعنی سال مرگ سلطان ابوسعید در ۷۳۶ ق که در مقدمه فهرست ۷۳۲ ق ذکر شده است. ناقد محترم که خوشبختانه به نوشته خود ایشان «پژوهشگر تاریخ‌اند» است، با مراجعه به منابع و مآخذ متوجه شده‌اند «سال ۷۳۶ ق به عنوان سال مرگ ابوسعید ایلخانی و به تبع آن سقوط سلسله ایلخانی مورد پذیرش منابع اولیه و تحقیقات جدید است». چنانکه در حاشیه مقدمه کتاب ذکر شده، مأخذ نگارنده مقاله دوست دانشمند دکتر ابوالفضل خطیبی ذیل مدخل «ابوسعید» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بوده است و در آنجا هم سال مرگ سلطان مذکور ۷۳۶ ق آمده است. از سوی دیگر، مایه خرسندی است که ناقد محترم، خود در حاشیه مقاله و از روی کمال انصاف توضیح داده‌اند که ثبت نسخه‌های مکتوب در این عهد در این فهرستواره تاریخ‌های پس از ۷۳۲ ق را هم شامل شده است، بنابراین، روشن است که ۷۳۲ ق غلط چاپی است.

۳. اشتیاق عیب‌جویی، متأسفانه از دقت نظر ناقد محترم، کاسته و در نمونه‌هایی که از «نقایص و اشتباهات» به دست داده‌اند، اغلاطی راه یافته که بعید است بتوان آنها را از قبیل غلط چاپی یا تصحیف و تحریف در نظر گرفت:

«در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی، شماره ثبت ۷۷۰۹ متعلق به الوسیط از میدانی نیشابوری است، درحالی‌که در فهرست مرعشی، این شماره متعلق به غریب القرآن از نویسندگانی ناشناس است».

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، مؤلف الوسیط، نه میدانی نیشابوری، بلکه واحدی (متوفی ۴۶۸ ق) است و در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی (ص ۶۱) هم نام مؤلف به درستی واحدی ذکر شده است، نه میدانی. البته درباره این نسخه در ادامه این مقاله بازهم نکته‌هایی خواهد آمد.

«نسخه شماره ۱/۱۲۶۲۱ مرعشی در کتاب بهرامیان قصیده الأشکنوانیه العمیدیه ثبت شده درحالی که در فهرست مرعشی این شماره ثبت عنوان وصیه المنصور الی ولده المهدی را بر خود دارد (مرعشی، ۴۰/۳۲)».

«درحالی که» مأخذ نسخه قصیده الأشکنوانیه العمیدیه در فهرست ایلخانی، فهرست مرعشی، ج ۳۲ ص ۴۷ (درست: ۴۸) است، نه صفحه ۴۰ و شماره نسخه «وصیه المنصور الی ولده المهدی» ۱۲۶۲۱ است، نه ۱۲۶۲۱/۱ و نسخه قصیده مذکور هم در فهرست آن کتابخانه در همان جلد و صفحه، قابل ملاحظه است و نسخه «وصیه المنصور الی ولده المهدی» ربطی به قصیده مذکور در فهرست نسخه‌های ایلخانی ندارد.

ناقد محترم «با بررسی محتوای این کتاب و مقایسه آن با فهرست» کتابخانه مرعشی دریافتند که «تعدادی از نسخه‌های قرن ۷ ق» در کتاب نسخه‌های عهد ایلخانی «از قلم افتاده‌اند»، از جمله دو نسخه از تفسیر کشف با تاریخ کتابت آخر قرن ۷ شماره ثبت ۱۱۴۳۰ (فهرست مرعشی، ۳۸/۲۹) و دیگری با تاریخ نیمه دوم قرن ۷ / شماره ثبت ۱۳۰۲۸ (فهرست مرعشی، ۶۶/۳۳)».

«درحالی که» هر دو نسخه در فهرست نسخه‌های ایلخانی آمده است: نخستین در ص ۳۳ (شماره ۹) و دیگری در (ص ۳۱ شماره ۲) با شماره ثبت ۱۳۰۲۸ (در اصل فهرستواره ۱۳۰۲۷ که غلط چاپی است).

۴. ناقد محترم اصرار دارند که «بهرامیان و همکاران او به اصل فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران مراجعه نکرده و به داده‌های موجود در فنخا بسنده کرده‌اند». در طی همین مقاله و با ذکر نمونه‌هایی بر فضلاء کرام روشن خواهد شد که مأخذ من اصل فهرست نسخه‌ها بوده است و چنانکه در مقدمه ذکر کرده‌ام، کوشیدم اطلاعات مندرج در فهرست‌ها را با فنخا نیز بسنجم، زیرا در فهرستگان نسخه‌های خطی که به کوشش دانشمند محترم جناب آقای درایتی فراهم آمده است، پاره‌یی اطلاعات تصحیح یا تکمیل شده است. در موارد بسیار اندکی، مأخذ من فهرستگان بوده و به آن ارجاع داده‌ام، زیرا گاهی به ادله گوناگون به اصل فهرست مأخذ فهرستگان دسترسی نداشته‌ام. من در مقدمه بر «ارزش‌ها و سودمندی‌های مجموعه فهرستگان» تأکید و ابراز امیدواری کرده‌ام که «با این گام بلند، به هدف تصحیح و تکمیل فهرست نسخه‌های خطی کشور نزدیک‌تر شده باشیم».

۵. ناقد محترم از سویی مرقوم کرده‌اند که «مداقه فراوان در محتوای» فهرست‌های «اصلی ضروری است، زیرا فهرست نویسان کتابخانه‌ها نیز مصون از خطا نبوده و نیستند. در همین فهرست مرعشی

که به عنوان مطالعه موردی در این مقاله کوتاه به آن پرداخته شد، نمونه‌هایی از سهو موجود دارد که فهرست نویسان موضوعی نباید آنها را تکرار کنند»، با وجود اینکه پیشتر و در اول مقاله، از «نظم فوق العاده حاکم بر فهرست نویسی نسخ خطی این کتابخانه نسبت به سایر کتابخانه‌ها» سخن به میان آورده بودند و در ادامه فرموده‌اند: «نسخه پژوه باید آن اندازه تسلط بر منبع‌شناسی داشته باشد که در صورت مواجهه با چنین لغزش‌هایی که سهواً متوجه فهرست نگاران شده و می‌شود از تکرار آنها در متن پژوهش خویش اجتناب ورزد، نه آنکه مانند آنچه در کتاب جناب بهرامیان شاهدش هستیم، داده‌های درست و صحیح موجود در فهرست‌های نسخ خطی را هم با نقایص و اشتباهات فراوان به مخاطبان خود منتقل کنند».

در ادامه، فضلالی گرامی ملاحظه خواهند کرد که این «جناب بهرامیان» با وجود قلت بضاعت و فرصت اندک، کوشش مختصری در آنچه که ناقد محترم به طریق پند و اندرز توصیه فرموده‌اند، به کار برده، ولی ناقد محترم با برخورداری از انصاف تمام، آن کوشش‌ها را به کلی نادیده گرفته و حتی غلط و «اشتباه» و «نقص» محسوب کرده است. در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنم و داوری با فضلایست:

«در کتاب فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی شماره ثبت ۷۷۰۹ متعلق به الوسیط از میدانی نیشابوری است درحالی‌که در فهرست مرعشی، این شماره متعلق به غریب القرآن از نویسندگانی ناشناس است.

در کتاب نسخه‌های عهد ایلخانی (ص ۶۰-۶۱) ذیل عنوان الوسیط واحدی (۴۶۸۴ق)، نسخه شماره ۲ این چنین معرفی شده است:

قم، مرعشی ۷۷۰۹

نستعلیق [!؟] [نسخ و تعلیق، ملاحظه عکس نسخه]، سده ۷ق، ۱۹ برگ، جلد تیماج قهوه‌ای، ۱۷ × ۲۶ س. (مرعشی، ۸۷/۲۰: «غریب القرآن»)

پرسش اینجاست که چرا من می‌باید نسخه‌ای را که در فهرست کتابخانه مرعشی «غریب القرآن» معرفی شده است و از مؤلف ناشناس، الوسیط واحدی ثبت کرده باشم؛ به ویژه که در فهرست مذکور، آغاز و انجام نسخه ذکر نشده است (برای اطلاعات مربوط به این نسخه با عنوان غریب القرآن، نک: فهرستگان، ۲۳/۴۰۹، شماره ۱). در پایان جلد بیستم فهرست کتابخانه مرعشی، مانند همه مجلدات، آلبومی از عکس برخی نسخه‌های مهم هست، از جمله عکسی از فقط یک برگ از نسخه مذکور. بالای ورق نسخه، چنانکه در عکس قابل ملاحظه است، بر اثر رطوبت آسیب دیده، ولی جمله‌هایی در میانه برگ خوانده می‌شود:

«... قوله عزوجل و من الناس من يعجبك قوله في الحياة الدنيا نزلت هذه الآية و اللتان بعدها في الأخنس بن شريق و كان حلوا الكلام حلوا المنطق يأتي رسول الله... و قوله و يشهد الله على ما في قلبه

كان يقول والله اني بك مؤمن ولك محب يحلف بالله و يشهده على أنه مضمّر ما يقول...

من این عبارات را جست‌وجو کردم و با مقایسه با یکی دو چاپ موجود از الوسیط، دانستم که نسخه مذکور، اوراقی از الوسیط واحدی نیشابوری است (عبارات منقول در بالا، مقایسه شود با: الوسیط، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۳۱۰/۱) و در ضمن، گذشته از اینکه در سده ۷ ق خط نستعلیق، با توجه به آنچه ما از سرگذشت این خط می‌دانیم، هنوز پدید نیامده بود، از روی عکس مذکور، خط نسخه را نسخ و تعلیق تشخیص دادم و با آنکه آنجا به صراحت نوشته‌ام: «ملاحظه عکس نسخه»، شگفت‌انگیز است (یا شاید هم نیست!) که باز هم از تیر ملامت ناقد محترم برکنار نمانده‌ام، حال آنکه خود به تحقیق و پژوهش توصیه کرده‌اند و اینکه نباید به اطلاعات مندرج در فهرست اکتفا کرد.

«نسخه شماره ۱۰۰۵۰/۳ مرعشی قصیده الحسناء الساویة از صدرالدین محمد ساوی است، اما در فهرست مرعشی همین شماره ثبت منظومه فی العروض نام دارد و نویسنده آن مجهول است (مرعشی، ۳۹/۲۶)».

آغاز منظومه مذکور این است:

بمحمد الملّیک الحق ذی الطّول و العُلا...

و این مطابق است با قصیده الحسناء الساویة، که نسخه دیگری از آن در نسخه‌های عهد ایلخانی در کتابخانه مجلس نشان داده شده است (ص ۱۸۵-۱۸۴).

در فهرست مرعشی (۱۳۴/۱۳) نسخه‌ای مؤلف مجهول با عنوان «البدیع» معرفی شده است. در آلبوم پایانی این مجلد، دو برگ از نسخه آمده و براساس آن، به این نتیجه رسیدم که نسخه مذکور، کتابی در موضوع بلاغت است؛ گرچه شناسایی کتاب و مؤلف به فرصت بیشتر و ملاحظه اصل نسخه نیاز داشت. به همین سبب، نسخه مذکور در فهرستواره (ص ۱۲۶) بدین صورت آمد: [رسالة فی البلاغة].

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی (۵۶۳/۱۱-۵۵۹)، نسخه مهمی با عنوان «تفسیر» معرفی شده است و کوشش فهرست‌نگار دانشمند برای شناسایی این کتاب و مؤلف به جایی نرسیده و مرقوم فرموده‌اند: «احتمال اینکه این کتاب همان کتاب «الفصول» یا «کتاب الفصول تألیفی ابوزرعه عبدالوهاب بن محمد بن ایوب اردبیلی حنفی مستوفی در شیراز به سال ۴۱۵ باشد احتمالی است واهی»، اما به هر حال اینک و بر اثر پژوهش‌های عالمانه استاد محترم دکتر شفیعی کدکنی و شماری دیگر از فضلاء معلوم شده که تفسیر مذکور اثر یک عالم کرامی مذهب است به نام ابوحنیفه عبدالوهاب بن محمد (سده ۵ ق) و مؤلف به همین صورت در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی ثبت شد (ص ۲۳).

در فهرست نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۴۶۱/۲)، نسخه‌ای «رساله در نحو» از مؤلفی

ناشناس معرفی شده است. آغاز موجود نسخه چنین است: «و راء مؤنث است چون قدام...» و انجام: «و از عین ضفادی بجای ضفادع». با اندکی جست‌وجو بر من روشن شد که نسخه مذکور، اللهادی للشدای است از میدانی نیشابوری (متوفی ۵۱۸ ق)، که نسخه دیگری از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی به آن هم اشاره شده است (ص ۲۲۵).

در فهرست کتابخانه مجلس (۲۱۹/۲۴) نسخه کتاب الظرائف و اللطائف گرچه به ثعالبی نیشابوری منسوب شد، ولی فهرست‌نگار دانشمند تذکر داده است که «در فهرس مشهور آثار ثعالبی نامی از این اثر برده نشده است». اکنون می‌دانیم که این کتاب با انتساب به حسین بن محمد بارع بغدادی (متوفی ۵۲۴ ق) منتشر شده است و در کتاب فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی (ص ۱۷۷) به نام مؤلف یعنی بارع بغدادی اشاره کرده‌ام.

در فهرست کتابخانه مرعشی (۴۰۹/۱۹)، نسخه‌ای با عنوان «فقه» معرفی شده است (در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی: «فقه‌العامه» که غلط است)، از مؤلفی ناشناس.

آغاز نسخه چنین است: «و باشد که ایشان را برنجاند و بدان بزه‌کار شود یا ضایع فرود گذارد».

در آلبوم پایانی جلد مذکور، عکسی از یک برگه از این نسخه قرار داده شده است و در آن این جمله دیده می‌شود: «و راه ناودان بسته نداری و اگر برف پیش سرای تو افکند...». از این جملات، با اندکی جست‌وجو معلوم شد که نسخه مذکور، اوراقی از کتاب کیمیای سعادت محمد غزالی است و در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی (ص ۲۶۵) ذیل کیمیای سعادت ثبت شد.

در فهرست کتابخانه مجلس ۱۶۹/۲ و چاپ جدید: ۱۱۳۴/۲-۱۱۳۳ (نسخه‌ای با عنوان «الصید و القنص» از مؤلف مجهول معرفی شده است (نیز نک: فهرستگان، ۲۱/۹۱۶-۹۱۷، که مؤلف بدرالدین تنوخی آمده است). نگارنده با مراجعه به عکس نسخه در پایگاه اینترنتی کتابخانه مذکور، این نسخه را کتاب المصاید و المطارد ابوالفتح محمود بن حسن کشاجم شاعر و ادیب مشهور (متوفی بعد از ۳۵۸ ق) تشخیص داد (فهرست نسخه‌های ایلخانی، ص ۵۰۳-۵۰۴) و این کتاب بر اساس همین نسخه، به کوشش دکتر محمد اسعد طللس منتشر شده است (بغداد، مطبعة دارالمعرفة، ۱۹۵۴ ق). مصحح کتاب از ملاحظه این نسخه در تهران سخن به میان آورده، ولی به صراحت از مالک آن سخنی نگفته است و سبب بر من روشن نیست.

در فهرست کتابخانه ملی شیراز (۱۳۳/۲)، نسخه‌ای با عنوان «المتعین و المؤرثة»، از مؤلفی ناشناس معرفی شده است. آغاز نسخه چنین است: «قال: فرأیت بعد ذلك ابن عرفطة یحمل دایة معویة حتی أدخلها باب الفیل فركزها فی المسجد» [كذا فی الاصل]. ختم نسخه این است: «ان فی القرآن مثل هذا کثیر و الحمد لله، تم کتاب المتعین و المؤرثة».

من در ذیل همین عنوان در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی (ص ۳۰۶-۳۰۷) نوشته‌ام: «آغاز این نسخه با فصلی از کتاب الأیضاح فضل بن شاذان نیشابوری (چاپ محدث ارموی صفحه ۷۰) یکی است و احتمال اینکه نسخه کهنی از آن کتاب باشد (با وجود افتادگی در آغاز) بسیار است؛ به ویژه که در انجام آمده است «تم کتاب المتعتین و المؤاثره» و می‌دانیم که فضل بن شاذان اثری هم با عنوان المتعتین داشته است (الذریعة، ۶۷/۱۹) بنابراین می‌توان حدس زد که این نسخه از الأیضاح شامل اثر دیگری از وی هم باشد گرچه باید نسخه را از نزدیک دید».

در فهرست کتابخانه مجلس سنای سابق (۱۱۹/۱)، رساله‌ای از ابن سینا «القوی الجسمانیة» ثبت شده است (نیز نک: فهرستگان)، بنابر تحقیق و نوشته مرحوم دکتر یحیی مهدوی در فهرست مصنفات ابن سینا (تهران، ۱۳۳۳، ص ۲۹۱)، رساله «القوی الجسمانیة» در واقع «همان فصل اول از رساله فی النفس علی طریق الدلیل و البرهان است» و به این سبب در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی ذیل رساله فی النفس درج شد (ص ۳۶۱).

در فهرست کتابخانه مجلس (۶۹/۴۱) مؤلف رساله «الأربعون حديثاً فی فضل الفقراء و أهل التصوف» (زائد بن سعید احمد طوسی) ثبت شده است، که محتمل است غلط چاپی باشد (برای اشاره به این نسخه و تصریح به خویشاوند، نک: فهرستگان، ۲/۹۷۷). به هر حال، مؤلف، ابوسعید احمد بن ابی الحسن طوسی خویشاوند است از علمای سده ۴-۵ ق و در ذیل همین عنوان در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی (ص ۳۶۶) نوشته‌ام:

«برای اشاره به اربعین خویشاوند و طریق اسنادی به آن، از جمله، نک: رافعی قزوینی، التدوین، ۳/۱۹۰ و نیز رجوع شود به: معجم الشیوخ ابن عساکر)

در فهرست کتابخانه ملک (۱۸۶۴/۳) کتاب «جوامع علم الهيئة» بدون اشاره به نام مؤلف آمده است (نیز نک: فهرستگان، ۱۰/۹۶۷-۹۶۸). با اندکی بررسی معلوم شد که نسخه مذکور، از نسخه‌های مهم الباب المفرد فی جوامع الهيئة از کوشیار گیلانی (متوفی حدود ۴۹۵ ق) است (نک: نسخه‌های عهد ایلخانی، ص ۴۰۵-۴۰۴).

در فهرست کتابخانه مجلس سنای سابق (۲۴۱/۱)، نسخه‌ای با عنوان «الجراحة» بدون اشاره به مؤلف معرفی شده است (نیز نک: فهرستگان، ۱۰/۸۰). خوشبختانه تفضیلی از نسخه مذکور در فهرست هست و تصاویری از آن در چاپ جدید فهرست کتابخانه مجلس دیده می‌شود (ج ۱/۸۶۲). پس از بررسی معلوم شد که نسخه مذکور، کتاب التصریف لمن عجز عن التألیف، نوشته زهراوی اندلسی (متوفی ۴۲۷ ق) است (نک: فهرست عهد ایلخانی، ص ۴۲۲).

در فهرست نسخه‌های کتابخانه علامه طباطبائی شیراز (نسخه پژوهی، ۳/۱۰۴، ۵/۵۳۴) نسخه‌ای با

عنوان «کلام» از ابوطاهر بن علی صفار معرفی شده است (در فهرست ایلخانی، عبارت «بدون مؤلف» در ارجاع به فهرست غلط است و باید تصحیح شود). پس از بررسی معلوم شد که نسخه مذکور، کتابی است که می‌توان آن را با این عنوان شناساند: «تعلیقات علی کتاب الأصول لأبن خلاد» و در ذیل آن به مقاله دوست و استاد ارجمند آقای دکتر انصاری ارجاع دادم: «برای تفضیل، نک: حسن انصاری، کتاب الأصول ابن خلاد و تداول آن در میان زیدیه، ترجمه محمدکاظم رحمتی، پیام بهارستان» (فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی، ص ۲۴۴).

در فهرست کتابخانه مجلس (۸۸/۴۱) چند بیت فارسی به این عنوان معرفی شده است: «نظم در دانستن ماه که کدام برج است بی تقویم» و با احتمال انتساب به خواجه نصیر. آغاز چنین است: «هرچه از ماه شد مثنی کن / پنج دیگر فزای بر سر آن...» که ابیاتی از نصاب الصبیان ابونصر فراهی (متوفی ۶۴۰ ق) است (نک: فهرست ایلخانی، ۲۲۱).

در فهرست کتابخانه مرعشی (۱۴۴/۹) نسخه‌ای در مجموعه‌ای، با عنوان هدایة الطالب الی اصول المذاهب از مؤلف ناشناس معرفی شده است. من در فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی (ص ۲۷۹) ذیل همین عنوان نوشته‌ام:

«این اثر و هدایة الخلائق (نک: نسخه پیشین) هر دو به احتمال بسیار از تألیفات علاءالدین نعمان بن دولت‌شاه خوارزمی (۶۵۷-۷۲۵ ق) است که رساله‌یی در رد بر قطب‌الدین از همو در این مجموعه هست. برای شرحی از احوال و فعالیت او، نک: ابن حجر عسقلانی، الدرر الكامنة، ۱۶۲/۶-۱۶۱؛ صفدی، اعیان العصر، ۳۲۶/۵-۳۲۵؛ ابن الجزری تاریخ حوادث الزمان ۱۲۵، -» (۱۲۴)

از این دست نمونه‌ها در کتاب فهرست نسخه‌های عهد ایلخانی گرچه نسبت به شمار نسخه‌ها چندان نیست، باز هم هست و قصد ندارم برای وظیفه‌ای که هر فهرست‌نگاری بر عهده دارد و به گمانم امتیاز خاصی هم نیست، وقت فضلا را بگیرم. ناگفته پیداست که در تشخیص برخی نسخه‌ها هم اشتباه کرده‌ام یا بیشتر باید تحقیق می‌کردم؛ اما چنانکه در مقدمه تصریح کرده‌ام، کوشیدم تا این فهرستواره از «جنبه‌های تحقیقی» برکنار نباشد.

نکته واپسین اینکه، امتیاز «بداعت و نوآوری» در گردآوری این فهرستواره، نه از آن من، که از آن دوست دانشمند جناب آقای سید علی موجانی است، زیرا ایشان پیوسته بر اهمیت نسخه‌های خطی و کارکرد میراث مکتوب در هر عهدی، به ویژه از بابت شناخت جامعه فرهنگی تأکید می‌کند و در راه تحقق آن می‌کوشد.

درباره کتاب نسخه‌های عهد ایلخانی و کیفیت گردآوری آن و این «نقد»، باز هم نکته‌هایی هست که به یاری خداوند متعال در چاپ بعدی کتاب با فضیلتی گرامی در میان نهاد خواهد شد.